



افشار کهن، جواد و رضائیان، محمود (۱۳۹۷). مقایسه بین نسلی رابطه نظام
ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*،
۵(۱۲)، ۲۹۳-۳۲۶.

مقایسه بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده

جواد افشار کهن^۱ و محمود رضائیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

چکیده

یک تغییر مهم در نهاد خانواده در ایران گسترش ناپایداری خانواده است. یکی از علل ناپایداری، می‌تواند تغییر در نظام ارزشی افراد باشد. بر این اساس، رابطه بین نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده می‌تواند به عنوان مساله پژوهش باشد. در این پژوهش که به روش پیمایشی در نمونه ۳۸۸ نفری از شهروندان متولد دهه‌های چهل تا هفتاد شمسی در شهر همدان انجام گرفته، به صورت بین نسلی، به مقایسه نظام ارزشی، نگرش به پایداری خانواده و رابطه بین نظام ارزشی افراد و نگرش آنها به پایداری خانواده پرداخته شده است. برای سنجش نظام ارزشی از نظریه رونالد اینگلهارت استفاده شده و نگرش به پایداری خانواده نیز با تقسیم بندی به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین نظام ارزشی و نگرش نسل‌های مختلف به پایداری خانواده در نسل‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد. بین ابعاد سنتی و بقای نظام ارزشی و نگرش به پایداری خانواده در نسل‌های مختلف رابطه معنادار وجود دارد، درحالی که بین ابعاد سکولار - عقلانی و خود شکوفایی این نظام و نگرش به پایداری خانواده در این نسل‌ها رابطه معنادار وجود ندارد. گفتنی است که بیشتر یافته‌ها، با انتظارات قبلی و پیشینه هم خوانی نداشت. که می‌تواند ناشی از توقف شرایط اجتماعی در وضعیت نیازهای وجودی باشد.

کلیدواژه‌ها: روابط بین نسلی؛ نظام ارزشی؛ ارزش نسلی؛ نگرش نسلی؛ پایداری خانواده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، J.Afsharkohan@gmail.com

۲- محمود رضائیان کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، Rezaeeyanm_56@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مساله

نهاد خانواده و تغییرات و دگرگونی‌های آن، همواره هم برای عامه مردم و هم برای اندیشمندان به ویژه دانشمندان علوم اجتماعی و به خصوص جامعه‌شناسان دارای اهمیت فراوان بوده است. نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده در جامعه ایران، حاکی از تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به خصوص جوانان است، تا آنجایی که برخی معتقدند ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حال شکل‌گیری مجدد هستند. در این میان یکی از حوزه‌هایی که تحت تاثیر تغییرات ارزشی و نگرشی قرار گرفته است، ارزش‌ها و نگرش‌های در پیرامون نهاد^۱ خانواده، ازدواج و همچنین پایداری خانواده است (سرایبی و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۱).

برخی نیز معتقدند که جامعه ایران به ویژه در دو مرحله وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ و پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق دچار تغییرات ارزشی مذهبی و اجتماعی در دو سو و جهت مخالف و مختلف شده است (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۸۰).

اولریش بک^۲ می‌گوید: "فردی سازی، ... به معنای فرد گرایی نهادینه شده است. بیشتر حقوق و مقرری‌های دولت رفاه، برای افراد طراحی می‌شوند تا برای خانواده‌ها ... بعد از مردم سالار شدن سیاسی (دولت دموکراتیک) و مردم سالار شدن اجتماعی (دولت رفاه)، مردم سالار شدن فرهنگی، بنیان‌های خانواده، روابط جنسی، عشق، تماس جنسی، و صمیمیت را تغییر می‌دهد (بک، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۳).

با این اوصاف، خانواده نهادی است که تغییرات علمی، فکری، فرهنگی و اجتماعی، به سرعت و بسیار فراتر از انتظار، آثار خود را بر این نهاد دیرپای باقی می‌گذارد. همانگونه که امواج سهمگین روشنگری و نوسازی و نوگرایی مبتنی بر آن ساختارهای سنتی و قدیمی را در می‌نوردیدند، این دگرگونی‌ها در نهاد خانواده نیز تاثیر گذاشت، آن چنان که در همه جا و به ویژه در کشور ما، که در دوران گذار و در حالت گذر است، خانواده دگردیسی‌های عمیقی را تجربه کرده است، به گونه‌ای که برابر آماری که در پی می‌آید، در اکثر استانها و از آن جمله استان همدان، روند ازدواج رو به کاهش و سیر طلاق و گسست خانواده‌ها جهت فزونی دارد*.

در هیچ مقطع تاریخی، ارزش‌ها^۳ و نگرش‌های^۴ افراد و گروه‌های اجتماعی^۵ (همچون

1- Institute

2- Beck Ulrich

3- Value

4- Attitude

5- Social group

زنان، جوانان، اقوام و ...) در درون جوامع به سرعتی که امروزه در حال تغییر است، دچار دگرگونی نبوده است. به نظر برخی از جامعه شناسان، همراه با دگرگونی‌های وسیع ساختاری^۱ و محیطی، نظام ارزشی^۲ جوامع نیز-هرچند با تاخیر- به آن واکنش نشان می‌دهد و دچار دگرگونی می‌شود. این مساله به ویژه برای جوامعی که فرایندهای مدرنیزاسیون^۳ را به صورت وارداتی و از بالا به پایین تجربه کرده اند، مشهودتر است، چرا که با سرعتی که تغییرات محیطی و ساختاری دارند، نظامهای ارزشی سنتی^۴ و جدید^۵، فرصت پیدا می‌کنند که در تعارض، تقابل و تخالف با یکدیگر از جنبه‌های مختلف و به شیوه‌های متفاوت قرار گیرند (احمدنیا ومهریار، ۱۳۸۳: ۱۷).

شمار بسیاری از جامعه شناسان، برای درک و توصیف چنین شرایطی در جوامع، از چنین وضعیتی با عنوان دوران گذار^۶ یا تعارض^۷ ارزشی یاد کرده اند. در این میان جوانان به دلیل ویژگیهای شخصیتی و منحصر به فرد خود و این که بیشتر در معرض فرایندهای تغییر قرار می‌گیرند، زودتر از اقشار دیگر دچار تغییر می‌شوند و ارزشها و نگرشهای جدید، تازه وارد شده ونوپدید را مورد پذیرش وجذب قرار می‌دهند (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۵). در حالی که معمولاً و نه عموماً، ارزشها و نگرشهای سنتی درمیان بزرگسالان ونسلهای پیشین رواج، گستردگی، شیوع و پذیرش دارد، نسلهای جدیدتر ارزشهای متفاوتی دارند و با جانشین شدن نسلهای جوان تر به جای افراد از نسلهای گذشته، جهان بینی متداول، مرسوم، شایع و جاری در جوامع نیز دگرگون می‌شود (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۵۰). نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده در جامعه ایران، حاکی از تغییر ارزشها و نگرشهای ایرانیان به خصوص جوانان است، تا آنجایی که برخی معتقدند ارزشها و نگرشهای ایرانیان در حال شکل گیری مجدد هستند. در این میان یکی از حوزه‌هایی که تحت تاثیر تغییرات ارزشی و نگرشی قرار گرفته است، ارزشها و نگرشهای در پیرامون نهاد^۸ خانواده، ازدواج و همچنین پایداری خانواده است. از آنجایی که در جامعه ایران، گسست و ناپایداری در خانواده را جز به ضرورت و از روی ناگزیری و ناگزیر، جایز، روا، مقبول و پذیرفتنی نمی‌دانند و آن را روا نمی‌شمارند، می‌توان ناپایداری خانواده در

- 1- Structural
- 2- Value system
- 3- Modernization
- 4- Traditional
- 5- Modern
- 6- Transmission
- 7- Conflict
- 8- Institute

جامعه ایرانی را، به عنوان یک مسئله اجتماعی قلمداد کرد (حاضری، ۱۳۸۰: ۷). نهاد خانواده از طریق فرآیند جامعه‌پذیری^۱، ارزش‌ها و هنجارهای^۲ مورد تأیید را به فرزندان انتقال می‌دهد و نقش پیوند دهنده نسل‌ها را بازی می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۴۰)، که به باز تولید^۳ و تداوم جامعه کمک می‌کند. بنابراین بررسی و درک نقش خانواده به عنوان یکی از نهادهای اساسی جامعه در شکل‌گیری و تداوم انگیزش‌ها و ارزش‌های افراد بسیار حیاتی است (بیرو، ۱۳۶۶: ۵۲). در مورد حوزه خانواده آنچه پیداست این است که این اولین و چه بسا مهم‌ترین نهاد اجتماعی و نهادی پر اهمیت در جامعه ایرانی، دارای مشکلات و معضلات جدی از جمله طلاق، گسستگی و از همه آنها مهم‌تر به شدت دچار ناپایداری^۴ شده است، به گونه‌ای که بسیاری از خانواده‌های به ظاهر به سامان نیز که دچار طلاق و جدایی قانونی نشده‌اند، دارای پایداری^۵ و پیوستگی لازم نیستند. آنچه که در این تحقیق مد نظر است، این است که یکی از عوامل مهم به وجود آورنده این ناپایداری، دگرگونی در ارزش‌ها و به عبارتی نظام ارزشی افراد و خانواده‌ها و به ویژه جوانان ایرانی است (سفیری و شریفی، ۱۳۸۴: ۸۵). جامعه در حال گذار ایران یک گذار ناقص و ناهمگون از سنت^۶ به مدرنیته^۷ را تجربه می‌کند. نهاد خانواده، به عنوان نخستین نهاد بشری و اجتماعی، در پی تحولات جدید و نو پدید، به خصوص در جوامع در حال گذار- همچون جامعه ایران- در معرض تغییرات و البته تاثیرات عمیقی قرار گرفته است، که بنیان، ثبات و پایداری آن را با چالش‌های جدی مواجه کرده است، به گونه‌ای که آمار ارائه شده از سوی مراجع مسئول و رسمی گویای نگرانی در این حوزه از زیست اجتماعی ایرانیان است.

همچنین به نظر می‌رسد که، یکی از مهم‌ترین این دگرگونی‌ها، در منابع ارزشی افراد روی داده است. به عبارت دیگر، افراد همواره در انتخاب و تعیین جهت اولویت‌های ارزشی خود، متوجه منابعی هستند، که از دانسته‌ها و آموخته و تعالیم و تربیت آنها منشاء و سرچشمه می‌گیرد و به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی جامعه ما، این منابع ارزشی و نحوه مراجعه به آنها دچار تغییر، تحول و دگرگونی شده است. استدلال پژوهش درباره نوع نگرش به پایداری خانواده و نه پایداری آن است چراکه، ناپایداری عینی، صرفاً زندگی خانواده‌های از هم گسیخته

- 1- Socialization
- 2- Norm
- 3- Reproduction
- 4- Instability
- 5- Stability
- 6- Tradition
- 7- Modernity

و منجر به طلاق را در بر می‌گیرد، در حالیکه در برخی از خانواده‌ها هر چند به لحاظ قانونی و شرعی جدایی صورت نگرفته است، اما از پایداری قابل قبولی برخوردار نیستند و چه بسا در اندیشه یا آستانه جدایی و گسیختگی هستند. استدلال دیگر این است که پایداری در خانواده‌ها صرفاً خانواده‌های تشکیل شده را به سنجش می‌نهد، در حالی که نگرش به پایداری خانواده این قابلیت را دارد که، هم خانواده‌های شکل گرفته و هم افراد - به ویژه جوانان - در اندیشه و در آستانه ازدواج را شامل شود و در واقع نگرش به پایداری در خانواده‌های آینده را در کنار خانواده‌های کنونی به سنجش بگذارد. در یک کلام به نظر می‌رسد که تغییرات در نظام ارزشی نسل‌ها، از عوامل تغییر در نگرش به پایداری خانواده‌ها باشند.

در جامعه در حال گذار ایران از یک سو گذار ناقص و ناهمگون از سنت^۱ به مدرنیته^۲ را تجربه میکنند، و از سوی دیگر نظام ارزشهای افراد دچار دگرگونی گشته است. منظور از گذار ناقص این است که بر خلاف جوامع عمدتاً غربی که این گذار با همراهی زیر ساخت‌های فکری، اجتماعی، سیاسی، علمی و صنعتی انجام شده و صورت پذیرفته است، در ایران و کشورهای چوچون این، بیشتر به روبنا و محصولات مدرنیته همچون بخش‌هایی از صنعت و شبه دموکراسی اکتفا شده است. مجموعه این دگرگونی‌ها به تغییراتی در نظام ارزشی افراد و به تبع آن نوع نگرش به لزوم ثبات و پایداری خانواده منجر شده است، که شایسته پژوهش و بررسی است. درباره علل، عوامل و دلایل این دگرگونی‌ها که از جمله آن ناپایداری خانواده هاست، گمانه‌های مختلفی وجود دارد که البته راستی و درستی هر یک، باید به محک پژوهش و آزمون گذاشته شود، و به نظر می‌رسد که دگرگونی در نظام ارزشی جامعه ما - اگر نه تنها دلیل، بلکه - یکی از دلایل عمده این مساله است. این امر، موضوع پژوهش حاضر است و راستی آزمایی می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

اسپرچر، در تحقیقی با عنوان برابری و مبادله اجتماعی در زوج‌های با سابقه، یک مطالعه طولی با زوج‌ها به منظور آزمون اهمیت برابری در ارتباط با دیگر متغیرهای مبادله اجتماعی در پیش بینی رابطه بین رضایت، تعهد و پایداری طرح ریزی کرد. نتیجه تحقیق این بود که،

1 Tradition

2 Modernity

نابرابری با سطح پایین تری از رضایت، تعهد و یک احتمال بالاتر برای بر هم خوردن رابطه [زناشویی] در ارتباط بود. همچنین، رضایت و تعهد به کاهش در نابرابری منجر می‌شوند (اسپرچر^۱، ۲۰۰۱: ۹).

در پژوهشی دیگر با عنوان عوامل موثر بر افزایش پایداری خانواده در ایالات متحده، هیتون^۲، بیان می‌کند که برخی تغییرات در مسیر تجربه زندگی، با پایداری خانواده در ارتباط است. به طور ویژه، تجربه جنسی قبل از ازدواج، تجربه جنسی ناخواسته، والد بودن قبل از ازدواج، نرخ‌های بالای هم‌خوابگی و ناهمسان همسری نژادی و مذهبی، با افزایش نرخ‌های ناپایداری خانواده، در ارتباط هستند (هیتون^۲، ۲۰۰۲: ۴۰۶).

مالتراس و ایزراییل در پژوهشی با عنوان تاثیر پایداری خانواده بر خود-کنترلی و سازگاری، به این نتیجه رسیده‌اند که، امنیت و پیش‌بینی پذیری مرتبط با محیط یک خانواده پایدار، ممکن است یک محیط بهینه برای پیشرفت جوانان در جهت کاربست و پالایش مهارت‌های خودکنترلی پدیدار شده، آماده کند و بنابراین منجر به توسعه فزاینده تسلط [برخود] شود و گرایش به سازگاری پیدا کند (مالتراس و ایزراییل^۳، ۲۰۱۳: ۶۶۸).

در حوزه بررسی ارزش‌ها در ایران، تحقیقی با عنوان بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی کشور توسط آزاد ارمکی و غیاثوند انجام شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که این تحولات به ترتیب از ارزش‌های دینی، سیاسی، جنسیتی و جهانی شروع می‌شود و به تدریج ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و مشخص شده است که توسعه در مناطق مختلف با تغییرات ارزشی هماهنگی دارد (ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳).

مرزآبادی در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان به بررسی رابطه بین نظام ارزشی نوجوانان و ارزش‌های خانواده پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان داد که بیشتر نظام ارزشی نوجوانان و ارزش‌های خانوادگی، مذهبی، رسانه‌ای و ملی ارتباط معناداری وجود دارد (مرزآبادی، ۱۳۸۷).

پژوهشی دیگر در زمینه دگرگونی ارزش‌ها بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران است، که توسط طالبان و دیگران انجام شده است، که مهمترین نتایج آن به شرح زیر است:

-
- 1- sprecher
 - 2- heaton
 - 3- malatras and israeel

-میزان اهمیت ارزشهای مادی برای جامعه ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب افزایش داشته است.

- نسبت اهمیت بیشتر شاخص‌های ارزش‌های معنوی از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب کاهش یافته است.

-میزان اهمیت ارزش‌های مادی و معنوی برای گروه سنی پنجاه سال به بالا (جوانان قبل از انقلاب) بیشتر از گروه‌های سنی جوانان امروزی است (طالبان و دیگران، ۱۳۸۹).

شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی، پژوهش دیگری است که یوسفی با هدف بررسی شکاف ارزشی بین نسلی، در خانواده‌های تهرانی انجام داده است. نتایج حاکی از وجود شکاف در ارزش‌های پدران و فرزندان است و هر دو نسل، تقریباً در نیمی از ارزش‌های مورد بررسی، بر اختلاف بین نسل خود و دیگری صحنه گذارده‌اند (یوسفی، ۱۳۹۲).

کاظمی پور تحقیقی با نام سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تاکید بر ازدواج‌های دانشجویی انجام داده است. نتیجه حاکی از آن است که، در جامعه ایران، نهاد خانواده و تعاملات اعضای آن، به میزان رشد و توسعه صنعتی شدن و شهرنشینی در کشور رشد پیدا نکرده است و طلاق میان افراد با پایگاه اجتماعی پایین تر بیش از بقیه بوده است و نیز بسیاری از جوانان در ازدواج و انتخاب همسر، بیشتر به انتخاب عقلانی توجه دارند و نگرش به ازدواج، به یک امر عقلانی تبدیل شده است (کاظمی پور، ۱۳۸۸).

بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده، نام کار تحقیقی اردهایی و دیگران است. نتیجه آن است که، پاسخگویان متعلق به نسل‌های مختلف، برداشت‌های متفاوتی از زمان شکل‌گیری خانواده، ارزش فرزند، تعداد فرزند و ترجیح جنسی فرزند دارند (اردهایی و دیگران، ۱۳۹۳).

عظیمی هاشمی و دیگران، در تحقیقی با عنوان ارزشها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج، یافته‌ها، موید تفاوت بین نسلی و درون نسلی در مورد ارزشهای همسرگزینی و رابطه با جنس مخالف است (عظیمی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۴).

آن چه از پیشینه تحقیق بر می آید این است که، همه آن‌ها به طور مجزا یا نظام ارزشی و یا عوامل موثر دیگر بر نگرش به پایداری خانواده را بررسی کرده اند، و بنابر این با توجه به خلا پژوهش‌های پیشین، ویژگی این تحقیق این است که، برای نخستین بار رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده را مورد بررسی قرار می دهد.

۲-۲- چهارچوب نظری

۲-۲-۱- نسل

از کارل مانهایم^۱ به عنوان آغازگر مباحث نظری پیرامون نسل نام برده شده است، دیوید وایت^۲ معتقد است نسل به واسطه و وقایع و حوادث زیر ساخته می‌شود:
- واقعه فراموش نشدنی همچون جنگ شهری، مصیبت طبیعی و یا هر حادثه سیاسی - اجتماعی مهم دیگر.

- عوامل سیاسی یا فرهنگی که بیانگر واقعه‌ای فراموش نشدنی است.
- تغییر ناگهانی در ساختار جمعیت که زمینه‌ساز توزیع مجدد منابع جامعه شود.
- شکل‌گیری فاصله طبقاتی جدیدی که زمینه ساز موفقیت یا شکست نسلی گردد. تغییر ساختاری طبقاتی که توأم با فاصله جدید طبقاتی است و با ورود جامعه از دوره پیشرفت به دوره رکود پیش می‌آید، نیز عاملی بر شکل‌گیری نسل است.
تعریف دایتی^۳ از نسل بر اهمیت تجربیات، به عنوان عناصر ذهنی، فکری و اثرشان در دوره جوانی یا سال‌های شکل‌گیری تأکید می‌کند. بیکر^۴ نسل را به عنوان گروهی از افراد که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده‌اند، می‌داند بلس^۵ معتقد است نسل عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در ابژه‌های نسلی با یکدیگر سهیم شده‌اند...

تراول در ۱۹۷۵ پنج مفهوم متفاوت از نسل ارائه داده است که کرتزل^۶ آن را به چهار مقوله تقسیم بندی کرده است:

- همچون یک اصل و پایه نصب خویشاوندی،
- همچون افراد گروه هم دوره،
- همچون مرحله زندگی و
- همچون دوره تاریخی.

با جمع بندی مباحث و نظرات مطرح شده می‌توان ادعا کرد که در کمتر کشوری همچون ایران، می‌توان افراد و یا نسل‌هایی را یافت که در دوران کوتاهی از عمر خود پدیده‌هایی چون انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ و دوره‌های پس از آن را دیده باشد و این امر به این

1- Karel Manheim
2- David Wyait
3- Dayti
4- Baker
5- Balse
6- Kertzel

موضوع در ایران شکل ویژه‌ای می‌دهد.

با توجه مطالب پیش گفته و با عنایت به اهداف و عنوان تحقیق برای این پژوهش، و بر اساس نظر بیکر که نسل را به عنوان گروهی از افراد که در فاصله زمانی معینی (مثلا یک دهه) به دنیا آمده اند، می‌داند و از منظر نسلی، دهه‌های تولد افراد به عنوان نسل‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود. به همین منظور متولدین هر دهه به عنوان یک نسل در نظر گرفته می‌شوند، که هم عنصر زمانی و هم عنصر تغییر را در خود دارد و از نظر فاصله زمانی نیز، متناسب با سرعت نسبی تحولات است.

۲-۲-۲- ارزش

واژه ارزش از کلمه فرانسوی وُلیر^۱ به معنای قیمت و مقدار گرفته شده است. (قلی پور و بامداد، بی تا: ۵). میلر در تعریف ارزش می‌گوید: ارزش می‌تواند به عنوان یک مفهوم صریح یا ضمنی از چیزی در نظر گرفته شود، که یک شخص یا گروه به عنوان یک امر مطلوب به آن توجه می‌کند و چیزی که برحسب آن، او یا آنها از بین شیوه‌های جایگزین در دسترس، ابزارها و غایت‌های کنش را بر می‌گزینند. (میلر^۲، ۱۹۸۸: ۳۶).

نظریه‌های نظام ارزشی عبارتند از:

۱- طبقه بندی آلپورت^۳: آلپورت معتقد بود که این ارزش‌ها جهانشمول هستند و برای همه مردم کاربرد دارند. البته این ارزش‌ها بین افراد مختلف متفاوت است.

۲- نظریه شوارتز^۴: او ارزش‌ها را بر پایه نیازهای اساسی هستی انسان در سه سطح در نظر می‌گیرد:

- هستی انسان با نیازها و امیال بیولوژیک و شخصی،

- هستی انسان با نیازهای روانشناختی وی که مرتبط با دیگران است،

- هستی انسان با وظایف اجتماعی که رفاه جامعه و نوع بشر به طور عام است (بوستانی و

چاری صادق، ۱۳۹۲: ۱۱ و ۱۲).

۳- نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت^۱: در واقع بینش‌های اینگلهارت، پایه نظری و عملی بسیار سودمندی برای بررسی تغییر نظام ارزشی نسل‌ها در اثر وقوع تغییرات تکنولوژیکی و اقتصادی در جوامع درگیر این تغییرات به دست می‌دهد.

1 valoir

2 miller

3 Alport

4 Schwartz

اینگلههارت می‌گوید: «وجه تمایز مردم جوامع مختلف، نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان است. انگیزه‌های که مردم را به کار و می‌دارد، مسائلی که سبب بروز برخورد سیاسی می‌شود و اعتقادات مذهبی مردم، نگرش آنان درباره طلاق، سقط جنین، هم‌جنس‌بازی و اهمیتی که به داشتن بچه و تشکیل خانواده می‌دهند، همه دگرگون شده است» (اینگلههارت، ۱۳۷۳: ۱).

اینگلههارت چهارچوب نظری خود را از لحاظ یافته‌های سال‌های اخیرش، بر اساس دو فرضیه مهم‌تر قرار می‌دهد:

۱- **فرضیه کمیابی:** اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی وی است. شخص بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود، که عرضه آنها نسبتاً کم است.

۲- **فرضیه اجتماعی شدن:** مناسبات میان محیط اجتماعی - اقتصادی و اولویت‌های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست، بلکه یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی شخص، تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است (همان: ۷۵). اینگلههارت بعداً نسخه جدید تری از نظریه خود را ارائه می‌دهد که در دوگانه او، آن ارزش‌های سنتی و بقاء در یک طرف و ارزش‌های سکولار - عقلانی و خود شکوفایی در طرف دیگر قرار می‌گیرند (اینگلههارت و ولزل، ۱۳۹۴: ۸۳).

همان گونه که ملاحظه می‌شود، نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلههارت، به دلایل متعدد از بسیاری جهات با نظریه‌های پیشین تفاوت دارد، از آنها برجسته تر است و بینش کامل تری را به دست می‌دهد.

۲-۲-۳- نگرش

اجزای نگرش عبارتند از:

- الف- جزء شناختی نگرش: منظور از جزء شناختی نگرش اطلاعاتی است که فرد درباره موضوع نگرش^۲ دارد
- ب- جزء عاطفی (احساسی) نگرش: این جزء شامل [عواطف و] احساساتی است که موضوع نگرش در شخص برمی‌انگیزد

1 Ronald Inglehart

2 Attitude object

ج- جزء رفتاری (آمدگی برای عمل) در نگرش: در تعریف نگرش، اغلب آن را نوعی آمدگی برای عمل ذکر کرده‌اند (کریمی، ۱۳۹۵: ۵).

۲-۲-۴- رابطه بین ارزش و نگرش

تمامی نظریات ارائه شده در بخشهای قبلی، یا ناظر بر ارزشها بودند و یا ناظر بر نگرش ها، در حالی که یکی از اهداف این تحقیق، بررسی رابطه بین ارزشها و نگرشهاست. در خصوص نظریه‌ای برای تاثیر ارزش بر نگرش، پس از پرسش از اساتید محترم جامعه‌شناسی و نیز روان‌شناسی، همچنین جست‌وجو در منابع روانشناسی و روانشناسی اجتماعی، نظریه‌ای صریح و روشن به این عنوان نیافتیم، هرچند در آثار اندیشمندان اشاراتی به ارتباط این دو رفته است. به عنوان نمونه راکیچ عقیده دارد که ارزشها و یا نظام ارزشی یک فرد می‌تواند منبع اطلاعات بسیار خوبی برای در مورد نگرشها و رفتارهای وی باشد. همچنین فارنهایم و هیون، در نتایج تحقیقات خود به طور مشخصتری نشان می‌دهند که، ارزشها و نظام ارزشی افراد، نگرشها و رفتار آنها را به طور مستقیم و با ثبات جهت داده و هدایت می‌کند (امینی، ۱۳۹۴: ۳۰).

یکی از پژوهش‌های انجام شده در رابطه بین ارزش و نگرش، از آن دوسولت است. او استدلال می‌کند که، اگرچه تحلیل نگرش تثبیت شده از ارزشهای مجسم، تا حدی به وسیله پاسخ‌های ارزیابی کنندگان [موقعیت‌ها] تشکیل می‌شود، این رابطه یک ارزش پیامدی رابطه‌ای را به دست نمی‌دهد (دوسولت^۱، ۲۰۱۴: ۱۸۵).

کریستین سن و زانا به این نتیجه رسیده‌اند، که نگرش‌ها، درک از ارزشها را تحت تاثیر قرار می‌دهند و رابطه ارزش - نگرش، برای مقادیر بالا و پایین خود کنترلی متفاوت (کریستینسن و زانا^۲، ۱۹۹۱: ۴۷۱).

با استفاده از این مفاهیم و در کنار یکدیگر قرار دادن مفاهیم نسل، ارزش و نگرش و بیان ارتباط بین آنها - بر اساس نظریات موجود - می‌توان، استدلالات ذیل را مطرح کرد:

۱- هر نسلی دارای ارزش‌های ویژه خود است،

۲- پیامد هر ارزش نسلی، یک نگرش نسلی است،

۳- بنابراین این هر نسلی واجد یک نگرش نسلی است.

با این اوصاف، این مفاهیم قابل طرح و تعریف اند:

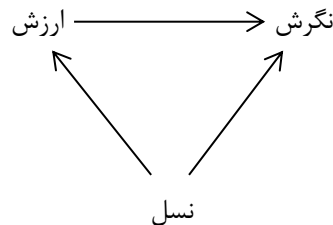
۱- نگرش نسلی (نگرش معطوف به نسل):

1 Dussault

2 Kristiansen and Zanna

۲- نگرش ارزشی (نگرش معطوف به ارزش):

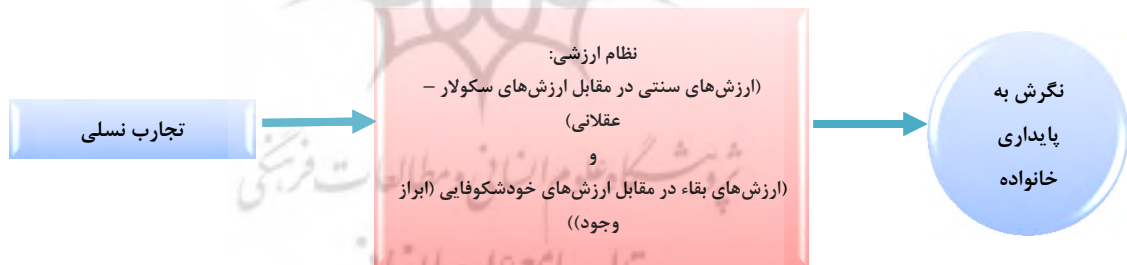
با جمع بندی و خلاصه مفاهیم جدید طرح شده می‌توان ارتباط بین نسل، ارزش و نگرش را در قالب این شکل نشان داد:



شکل ۱: رابطه بین نسل، ارزش و نگرش

۲-۲-۵- مدل نظری تحقیق

بر اساس نظریات بیان شده در این فصل و با توجه به تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روی داده در ایران، چه قبل و چه بعد از انقلاب، نظریه پایانی اینگلهارت در مورد تغییر نظام ارزشی بین نسلی از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار - عقلانی و ارزش‌های بقاء به ارزش‌های خودشکوفایی، برای سنجش نظام ارزشی افراد در ایران مناسب به نظر می‌رسد. همچنین برای سنجش نگرش به پایداری خانواده نیز، با استفاده از مباحث روان‌شناسی اجتماعی، به سه جزء شناختی، عاطفی و رفتاری تجزیه می‌شود. بر این اساس، مدل نظریه تحقیق، به صورت ذیل مطرح می‌گردد:



شکل ۲: رابطه بین متغیر مستقل (نظام ارزشی) و متغیر وابسته (نگرش به پایداری خانواده) با تجارب نسلی افراد.

۲-۲-۶ - فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به نظریات مطرح شده فرضیات زیر برای این پژوهش مطرح می‌گردند:

- ۱- بین ابعاد چهار گانه نظام ارزشی نسل‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین ابعاد نگرش نسل‌های مختلف به پایداری خانواده، تفاوت وجود دارد.
- ۳- شدت رابطه بین ابعاد نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده در نسل‌های مختلف با هم تفاوت دارد.

۳- روش تحقیق

در این پژوهش برای اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری اطلاعات هم از پرسشنامه اینگلهارت و هم محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان متولد دهه چهل تا هفتاد شمسی در شهر همدان می‌باشند. بدین منظور جمعیت ۲۱ تا ۵۶ ساله شهر همدان در نظر گرفته شدند. در این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه گردید، که برای کاهش خطاهای احتمالی تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع گردید، که در نهایت پس از کنار گذاشتن پرسش نامه‌های مخدوش، تعداد ۳۸۸ پرسش نامه تحلیل شد. در این پژوهش با توجه به تعداد محله‌های موجود در شهر همدان، ابتدا مناطق موجود با توجه به ملاک‌های عرفی، اجتماعی و اقتصادی در سه طبقه کم برخوردار، برخوردار و بیش برخوردار، دسته‌بندی و در مرحله بعد، از هر طبقه (از طبقات سه‌گانه فوق)، بر اساس نقشه ناحیه بندی شهرداری همدان، که دارای ۷۵ منطقه شهری است، ۵ منطقه به شیوه تصادفی ساده (قرعه کشی) انتخاب شد و در مناطق انتخاب شده به شیوه تصادفی ساده به ترتیب محلات، خیابان‌ها، کوچه‌ها و بلوک‌ها انتخاب شدند. در مجموع ۱۵ نقطه از مناطق موجود در شهر همدان مورد بررسی واقع شد. در این پژوهش واحد مشاهده و واحد تحلیل "فرد" می‌باشد، سطح تحلیل نیز نسل است. اطلاعات از افراد به دست می‌آید و در نهایت به عموم شهروندان همدانی تعمیم داده می‌شود.

۳-۱- متغیر مستقل

متغیر مستقل در این تحقیق، نظام ارزشی افراد است، که بر اساس نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت مورد سنجش قرار می‌گیرد و به دو بعد سنتی، بقاء در مقابل ابعاد سکولار-عقلانی و خودشکوفایی تقسیم می‌شود. به نظر میشل^۱، آبرامسون^۱ و اینگلهارت، شواهدی برای

1- Mitchel

پیمایش ارزش‌های جهانی از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ و از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ ارائه داده اند. افزون بر اینها، نزدیک به ربع قرن جمع آوری داده از ۶ ملت اروپای غربی، خروج از نتیجه گیری معناداری مقیاس اینگلهارت را مشکل کرده است (میشل ۲ و دیگران، ۱۹۹۶: ۹۰).

۲-۲- عملیاتی نمودن متغیر مستقل

برای نیل به این هدف و بر مبنای نظری تحقیق، ارزشها به چهار گروه در دو دسته متضاد تقسیم شدند که در جداول ۱ تا ۴ عملیاتی شده است:

جدول ۱: گویه های ارزشهای سنتی

منبع	سطح سنجش	گویه
اینگلهارت	ترتیبی	اعتقادات مذهبی در زندگی من خیلی مهم است
اینگلهارت	ترتیبی	برای کودک، یادگیری ایمان از کسب ثروت مهم تر است
اینگلهارت	ترتیبی	سقط جنین به هیچ وجه پذیرفتنی نیست
اینگلهارت	ترتیبی	موفقیت کشورم در عرصه جهانی برایم بسیار مهم است
اینگلهارت	ترتیبی	در کشور باید یک نفر باشد که اقتدار داشته باشد و در مواقع مهم حرف آخر را بزند
اینگلهارت	ترتیبی	دین اهمیت بسیاری در زندگی من دارد
اینگلهارت	ترتیبی	من به آخرت و روز جزا و پاداش، کاملا اعتقاد دارم
اینگلهارت	ترتیبی	یکی از اصلی ترین اهداف زندگی ام، سرافراز کردن پدر و مادرم است
اینگلهارت	ترتیبی	من به طور مرتب در اعمال دینی و مذهبی شرکت می‌کنم
اینگلهارت	ترتیبی	اعتماد زیادی به حوزه‌های علمیه و مساجد دارم

جدول ۲: گویه های ارزشهای بقاء

منبع	سطح سنجش	گویه
اینگلهارت	ترتیبی	برای من داشتن امنیت اقتصادی از همه چیز مهمتر است
اینگلهارت	ترتیبی	در هیچ حرکت اعتراضی سیاسی شرکت نکرده و نخواهم کرد
اینگلهارت	ترتیبی	والدین موظفند تمام تلاش خود را برای فرزندان خود انجام دهند حتی به قیمت از دست دادن سلامتی خودشان
اینگلهارت	ترتیبی	علاقه‌ای به شرکت در مباحث و فعالیتهای سیاسی ندارم

1- Abrahamson

2- Mitchell

مقایسه بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده بومی ۳۰۷

اینگلهارت	ترتیبی	گرایش سیاسی ام به اصولگرایان نزدیک تراست
اینگلهارت	ترتیبی	اصول روشن و مسلم و راهنمای دقیقی درباره خوبی و بدی در زندگی وجود دارد و راه حق و باطل (درست و غلط) کاملا روشن است
اینگلهارت	ترتیبی	اگر درآمد زن از شوهر بیشتر باشد، در زندگی با مشکل مواجه میشوند
اینگلهارت	ترتیبی	حتی اگر پدر و مادر رفتار بدی با ما داشته باشند، باز هم باید به آنها احترام گذاشت و دوستشان داشت
اینگلهارت	ترتیبی	آسایش اعضای خانواده ام را به آرامش خودم ترجیح می‌دهم
اینگلهارت	ترتیبی	من موافق داشتن تعداد فرزندان زیاد و خانواده‌های پر جمعیت هستم

جدول ۳: گویه های ارزشهای سکولار-عقلانی

منبع	سطح سنجش	گویه
محقق ساخته	ترتیبی	هر کسی خودش می‌تواند راه سعادت و رستگاری خودش را پیدا کند
محقق ساخته	ترتیبی	برداشت هر کس از دین برای خودش محترم است
محقق ساخته	ترتیبی	باید به برداشتهای مختلف افراد از دین احترام گذاشت
محقق ساخته	ترتیبی	حتما نباید همه افراد به یک دین خاص ایمان و باور داشته باشند
محقق ساخته	ترتیبی	کشور و جامعه را با بهره گیری از علم و دانش بشری بهتر می‌توان اداره کرد، نه بر اساس باورهای دینی
محقق ساخته	ترتیبی	در اجتماع هر کسی باید فقط به فکر پیشرفت خودش باشد
محقق ساخته	ترتیبی	فداکاری و گذشت در حق دیگران، در جامعه کنونی کاری بیهوده است
محقق ساخته	ترتیبی	باید از همان ابتدا به کودکان خود بیاموزیم که همواره منافع خود را مهمتر از منافع دیگران بدانند
محقق ساخته	ترتیبی	ضرورتی ندارد که از حقوق خود به نفع دیگران چشمپوشی کنیم
محقق ساخته	ترتیبی	این که می‌گویند: اول همسایه بعدا خانه، قبلا و در گذشته‌ها کاربرد داشته و اکنون اینطور نیست

جدول ۴: گویه های ارزشهای خود شکوفایی

منبع	سطح سنجش	گویه
محقق ساخته	ترتیبی	مهمترین هدف هر کس در زندگی، باید رسیدن به خواسته‌های خودش باشد
محقق ساخته	ترتیبی	زیبایی ظاهری، مهمتر از زیبایی باطنی است
محقق ساخته	ترتیبی	نباید زندگی خود را برای بهبود زندگی دیگران به خطر بیندازیم
محقق ساخته	ترتیبی	مهمترین هدف هر کس در زندگی، باید موفقیت خودش باشد
محقق ساخته	ترتیبی	بیشتر افراد به ظاهر و تجملات، بیشتر از باطن و درون اهمیت می‌دهند
محقق ساخته	ترتیبی	آرمان نهایی هر کسی، باید شکفتن استعدادها و رسیدن خودش به کمال باشد، نه

دیگران		
افرادى که ازدواج نمی‌کنند و یا فرزندى ندارند، در زندگى به کمال نمی‌رسند	ترتیبي	محقق ساخته
هرکسى حق دارد شیوه زندگى خودش را آنگونه که می‌خواهد و فارغ از ارزشهای اجتماع، انتخاب کند	ترتیبي	محقق ساخته
دختر و پسر میتوانند قبل از ازدواج با هم رابطه دوستانه داشته باشند	ترتیبي	محقق ساخته
بہتر است از دیگران به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرد	ترتیبي	محقق ساخته

۳-۳- متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، نگرش به پایداری خانواده است، که از سه جزء شناختی، عاطفی و رفتاری تشکیل شده است. برای این منظور گویه‌هایی بدین شرح با مضامین انسجام خانوادگی، نگرش منفی به طلاق، سازگاری ازدواج و تعهد و وفاداری به ازدواج در نظر گرفته شده‌اند (جداول ۵ تا ۷).

جدول ۵: گویه‌های بعد شناختی نگرش به پایداری خانواده

منبع	سطح سنجش	گویه
محقق ساخته	ترتیبي	به نظرم طلاق کار زشتی است
محقق ساخته	ترتیبي	آنهایی که طلاق را تجربه نکرده‌اند، آسایش و آرامش بهتری دارند
محقق ساخته	ترتیبي	زن و مرد باید در مشکلات زندگى یار و همراه هم باشند
محقق ساخته	ترتیبي	در جامعه ما مجرد ماندن برای همیشه را کارى عاقلانه نمی‌دانند
محقق ساخته	ترتیبي	به نظر من ازدواج در زندگى مشترک طبیعی و مایه رشد افراد است
محقق ساخته	ترتیبي	اکثر مردم فکر می‌کنند که همسرشان همان است که انتظار داشتند و فکر می‌کردند
محقق ساخته	ترتیبي	به نظر می‌رسد زندگى با مشاخره زندگى خوبى نیست
محقق ساخته	ترتیبي	برای داشتن یک زندگى موفق، پول و ثروت مهمترین عامل نیست
محقق ساخته	ترتیبي	اساس ازدواج بر فداکاری و گذشت برای همسر و فرزندان است
محقق ساخته	ترتیبي	در خانه زنان باید به اندازه مردان قدرت و اختیار داشته باشند

جدول ۶: گویه‌های بعد عاطفی نگرش به پایداری خانواده:

منبع	سطح سنجش	گویه
محقق ساخته	ترتیبي	به این گفته باور دارم که می‌گویند: هر کس با لباس سفید عروسی وارد یک زندگى می‌شود، فقط باید با کفن سفید از آن خارج شود
محقق ساخته	ترتیبي	دوست دارم با همسر تا پایان عمر زندگى کنم
محقق ساخته	ترتیبي	گاهی این احساس به من دست می‌دهد که ای کاش بتوان امکان ازواجهای

مقایسه بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده بومی ۳۰۹

		متعدد داشت
محقق ساخته	ترتیبی	احساس میکنم هر مشکلی بین زن و مرد حل شدنی است
محقق ساخته	ترتیبی	بیشتر مردم احساس می کنند زندگی موفقی دارند
محقق ساخته	ترتیبی	اکثر همسران این احساس را دارند که همسرشان آنها را درک میکند
محقق ساخته	ترتیبی	بیشتر افراد شریک زندگی شان را دوست دارند
محقق ساخته	ترتیبی	احساس می کنم می توان با ازدواج به آرامش حقیقی رسید
محقق ساخته	ترتیبی	این احساس را دارم که آرامشی که در ازدواج یافت میشود با هیچ چیز قابل مقایسه نیست
محقق ساخته	ترتیبی	احساس خوشبختی واقعی فقط در ازدواج و زندگی مشترک به دست می آید

جدول ۷: گویه های بعد رفتاری نگرش به پایداری خانواده

منبع	سطح سنجش	گویه
محقق ساخته	ترتیبی	در انتخاب شریک زندگی، معنویات را بر مادیات ترجیح می دهم
محقق ساخته	ترتیبی	برای من در انتخاب همسر، زیبایی مهم ترین معیار نیست
محقق ساخته	ترتیبی	هر فردی باید بالاخره ازدواج کند
محقق ساخته	ترتیبی	به نظر من همه اعضای خانواده ام باید ازدواج کنند
محقق ساخته	ترتیبی	نباید از ازدواج و انتخاب خود پشیمان باشیم
محقق ساخته	ترتیبی	پدر و مادرم را از انتخاب همسر خود راضی می بینم
محقق ساخته	ترتیبی	کودکان باید بیاموزند که زندگی مشترک ارزش تحمل سختیها و رنجها را دارد
محقق ساخته	ترتیبی	همسران اید برای رشد و ترقی شریک زندگی خود فداکاری کنند
محقق ساخته	ترتیبی	در ازدواج، اخلاق را مهمترین معیار قرار می دهم
محقق ساخته	ترتیبی	افراد باید با وجود تمام مشکلات، به همسر، فرزندان و زندگی خود پای بند باشند

۳-۴- اعتبار و پایایی

در این تحقیق برای تعیین اعتبار از «روش صوری» استفاده شده است. جهت اطمینان از پایایی سوالات و گویه های مورد سنجش برای مفاهیم مورد استفاده تحقیق، پرسشنامه اولیه در جمعیت پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. لازم به ذکر است که در آزمون مقدماتی (به تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل شد)، میزان پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمده بود اما در مجموع پرسشنامه، این مقدار اندکی کاسته شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های توصیفی

از آن جایی که جامعه آماری تحقیق حاضر، زنان و مردان متولدین بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۵ مورد بررسی قرار گرفتند، به منظور آشنایی با توزیع جنسیت و سن پاسخگویان، فراوانی هر یک از دو جنس به تفکیک دهه تولد در جدول ۲-۳ گزارش می‌شود. برای شناسایی وضعیت توزیع سنی پاسخگویان، از آن‌ها خواسته شد سن خود را برحسب سال تولد بیان کنند اما به منظور تلخیص یافته‌ها و با هدف درک راحت‌تر وضعیت این متغیر در بین نمونه آماری، برحسب اهداف تحقیق، سن پاسخگویان در مقوله‌های دهه تولد دسته بندی شد.

جدول ۸: توزیع فراوانی جنسیت و سن پاسخگویان به تفکیک دهه تولد

شاخص‌های آماری (انحراف معیار)	درصد نسبی	فراوانی	متولدین	
۱۰/۰۶	۲۳	۴۵	دهه ۴۰	مردان
	۳۰/۵	۵۹	دهه ۵۰	
	۲۹	۵۶	دهه ۶۰	
	۱۷/۷	۳۷	دهه ۷۰	
۹/۹۳	۲۱	۴۱	دهه ۴۰	زنان
	۳۱/۵	۶۱	دهه ۵۰	
	۳۱	۶۰	دهه ۶۰	
	۱۶/۵	۳۲	دهه ۷۰	
-	۵۰	۱۹۴	زنان	کل
	۵۰	۱۹۴	مردان	

با عنایت به اینکه بخشی از تحقیق حاضر در حوزه خانواده و نگرش نسبت به پایداری خانواده است، وضعیت تأهل پاسخگویان نیز مورد پرسش قرار گرفت تا علاوه بر شناسایی وضعیت تأهل آن‌ها، به بررسی رابطه این متغیر با نگرش به پایداری نیز بررسی شود. در جدول زیر به توزیع فراوانی این متغیر پرداخته شده است.

جدول ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد نسبی
مجرد	۹۸	۲۵
متأهل	۲۷۱	۷۰
فوت همسر	۶	۱/۵
طلاق گرفته	۶	۱/۵
بی پاسخ	۷	۲

۲-۴-۲- یافته‌های تحلیلی و استنباطی

۲-۴-۱- بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

در این بخش به ارزیابی فرضیه‌های پژوهش پرداخته خواهد شد. بدین منظور، با توجه به کمی بودن مقیاس داده‌ها، تصور این است که باید از آزمون‌های سطح پارامتریک (که مطلوبیت و قدرت تحلیل بیشتری دارند)، استفاده شود. زیرا مهم‌ترین شروط آزمون پارامتریک عبارتند از: ۱- سطح سنجش متغیر وابسته فاصله‌ای باشد. ۲- توزیع داده‌ها نرمال باشد (حبیب‌پور و صفری‌شالی، ۱۳۸۸). به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها نیز از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد توزیع داده‌های متغیرهای مورد بررسی از وضعیت توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشد لذا می‌باید از آزمون‌های سطح ناپارامتریک استفاده نمود.

۲-۴-۲- ارزیابی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه نخست تحقیق: نظام ارزشی نسل‌های مختلف تفاوت معناداری دارد. با عنایت به وجود ۴ بُعد برای متغیر نظام ارزشی (یعنی نظام ارزشی سنتی، سکولار-عقلانی، بقاء و خودشکوفایی)، فرضیه فوق در قالب ۴ فرضیه فرعی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. بدین منظور، با توجه به شکل توزیع داده‌ها و اقتضات آماری از آزمون کروسکال-والیس استفاده شد. یافته‌های استنباطی تحقیق در رابطه با وضعیت نظام ارزشی سنتی در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌ها و نظام ارزشی پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد. پس، فرضیه فوق مبنی بر وجود تفاوت معنادار در نظام ارزشی نسل‌های مختلف مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول ۱۰: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت نظام ارزشی در بُعد سنتی در بین نسل‌های مورد

بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۰۷۵	۶/۹۱	۷۶	دهه ۴۰	نظام ارزشی سنتی / تجارب نسلی
			۸۰	دهه ۵۰	
			۷۷	دهه ۶۰	
			۷۲/۵	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در رابطه با وضعیت نظام ارزشی بقاء در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌ها و نظام ارزشی پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد.

جدول ۱۱: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت نظام ارزشی در بُعد بقاء در بین نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۰۸۱	۶/۷۳۱	۶۸	دهه ۴۰	نظام ارزشی بقاء / تجارب نسلی
			۶۹	دهه ۵۰	
			۶۹	دهه ۶۰	
			۶۴	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در رابطه با وضعیت نظام ارزشی سکولار عقلانی در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌ها و نظام ارزشی پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد.

جدول ۱۲: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت نظام ارزشی در بُعد سکولار-عقلانی در بین نسل‌های

مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۵۸۳	۱/۹۵	۶۷	دهه ۴۰	نظام ارزشی سکولار عقلانی / تجارب نسلی
			۶۴	دهه ۵۰	
			۶۹	دهه ۶۰	
			۶۵	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در رابطه با وضعیت نظام ارزشی سنتی در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌ها و نظام ارزشی پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد.

جدول ۱۳: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت نظام ارزشی در بُعد خودشکوفایی در بین نسل‌های

مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۷۲۶	۱/۳۱۵	۵۴	دهه ۴۰	نظام ارزشی خودشکوفایی / تجارب نسلی
			۵۷	دهه ۵۰	
			۵۷	دهه ۶۰	
			۵۷	دهه ۷۰	

فرضیه دوم تحقیق: وضعیت نگرش به پایداری خانواده در بین نسل‌های مختلف تفاوت معناداری دارد. با عنایت به وجود ۳ بُعد برای متغیر نگرش به پایداری خانواده (ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی)، فرضیه فوق ابتدا به صورت کلی و با تجمیع دیدگاه‌های پاسخگویان در سه بُعد مذکور مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و در ادامه، هر یک از ابعاد متغیر در قالب ۳ فرضیه فرعی آزمون خواهد شد تا وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار در هر یک از ابعاد فوق در بین متولدین چهار نسل مورد بررسی قرار بگیرد. بدین منظور، با توجه به شکل توزیع داده‌ها و اقتضات آماری از آزمون کروسکال-والیس استفاده شد که نتیجه آن در جدول‌های زیر آمده است.

جدول ۱۴: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت دیدگاه‌ها در بعد شناختی نگرش به پایداری خانواده

در بین نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۸۴۴	۰/۸۲۴	۷۴	دهه ۴۰	نگرش به پایداری خانواده / تجارب نسلی
			۷۳	دهه ۵۰	
			۷۳	دهه ۶۰	
			۷۲	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در بررسی وضعیت نگرش به پایداری خانواده در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌های پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد.

جدول ۱۵: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت دیدگاه‌ها در بُعد عاطفی نگرش به پایداری خانواده در

بین نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۹۵۶	۰/۳۱۹	۶۲	دهه ۴۰	بُعد عاطفی از متغیر نگرش به پایداری خانواده / تجارب نسلی
			۶۲	دهه ۵۰	
			۶۲	دهه ۶۰	
			۶۱	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در رابطه با بررسی وضعیت نگرش عاطفی به پایداری خانواده در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌ها و نظام ارزشی پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد.

جدول ۱۶: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت دیدگاه‌ها در بُعد رفتاری نگرش به پایداری خانواده در

بین نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۹۵۸	۰/۳۱۲	۷۹	دهه ۴۰	بُعد رفتاری از متغیر نگرش به پایداری خانواده / تجارب نسلی
			۷۸	دهه ۵۰	
			۷۹	دهه ۶۰	
			۷۸	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در رابطه با بررسی وضعیت نگرش رفتاری به پایداری خانواده در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌ها و نظام ارزشی پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد.

جدول ۱۷: نتیجه آزمون فرضیه تفاوت دیدگاه‌ها در نگرش کلی به پایداری خانواده در بین

نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (X^2)	میانگین	نسل	فرضیه
عدم تأیید	۰/۹۵۸	۰/۳۱۲	۷۲	دهه ۴۰	بُعد شناختی از متغیر نگرش به پایداری خانواده / تجارب نسلی
			۷۱	دهه ۵۰	
			۷۱	دهه ۶۰	
			۷۰	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در رابطه با بررسی وضعیت نگرش شناختی به پایداری خانواده سنتی در بین متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری در بین دیدگاه‌ها و نظام ارزشی پاسخگویان نسل‌های مذکور وجود ندارد.

فرضیه سوم تحقیق: بین ابعاد نظام ارزشی نسل‌های مختلف و نگرش به پایداری خانواده رابطه معناداری وجود دارد. با عنایت به وجود ۴ بُعد برای متغیر نظام ارزشی، به تفکیک در چهار بخش به بررسی رابطه ابعاد متغیر نظام ارزشی با نگرش به پایداری خانواده در بین متولدین نسل‌های مورد بررسی پرداخته می‌شود. بدین منظور، با توجه به شکل توزیع داده‌ها و اقتضات آماری از آزمون کندال بی استفاده خواهد شد.

جدول ۱۸: نتیجه آزمون فرضیه رابطه نظام ارزشی سنتی و نگرش به پایداری خانواده در بین

نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (r)	نسل	فرضیه
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۴۵۴	دهه ۴۰	نظام ارزشی سنتی * نگرش به پایداری خانواده
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۴۶۲	دهه ۵۰	
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۵۱۵	دهه ۶۰	
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۶۳۳	دهه ۷۰	

یافته‌های استنباطی تحقیق در خصوص بررسی رابطه نظام ارزشی سنتی پاسخگویان متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ با نگرش به پایداری خانواده نشان می‌دهد که بین این دو متغیر در بین پاسخگویان هر چهار نسل مورد بررسی رابطه‌ای مثبت و معنادار با شدت متوسط به بالا وجود دارد. با افزایش سن میزان این رابطه اندکی بیشتر شده و در بین متولدین دهه ۷۰

به بالاترین میزان که در بازه رابطه شدید قرار می‌گیرد، می‌رسد. به بیان دیگر، با افزایش در میزان نظام ارزشی سنتی پاسخگویان، نگرش آنها به پایداری خانواده مثبت تر می‌شود. براین اساس، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین نظام ارزشی سنتی و نگرش به پایداری خانواده در نسل‌های مختلف مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۹: نتیجه آزمون فرضیه رابطه نظام ارزشی بقا و نگرش به پایداری خانواده در بین

نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (r)	فرضیه
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۳۵۵	دهه ۴۰
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۴۴۴	دهه ۵۰
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۲۴۴	دهه ۶۰
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۳۹۶	دهه ۷۰

یافته‌های تحلیلی در خصوص بررسی رابطه نظام ارزشی بقا در بین پاسخگویان متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ با نگرش به پایداری خانواده نشان می‌دهد که بین این دو متغیر در بین هر چهار نسل مورد بررسی رابطه آماری معنادار با جهت مثبت و شدت متوسط وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان ارزش‌های بقا در بین پاسخگویان نگرش به پایداری خانواده نیز مثبت تر می‌شود. این وضعیت در بین متولدین دهه ۵۰ با شدت بیشتری صدق می‌کند و کمترین میزان هم‌تغییری در بین متولدین دهه ۶۰ قابل مشاهده است. براین اساس، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین نظام ارزشی بقا و نگرش به پایداری خانواده در نسل‌های مختلف مورد تأیید قرار می‌گیرد.

همانگونه که از خروجی داده‌ها بر می‌آید، بین این دو متغیر در بین پاسخ‌گویان هر چهار نسل، رابطه‌ای معنادار و مثبت با شدت متوسط به بالا وجود دارد. از این روی، ایده اولیه این پژوهش در خصوص رابطه معنادار بین نظام ارزشی افراد - البته در بعد سنتی - و نگرش به پایداری خانواده مورد تأیید قرار می‌گیرد. این امر درباره بعد بقای نظام ارزشی نیز صادق است و طرفه این که این رابطه مستقیم است و نه معکوس، یعنی اینکه به موازات و با افزایش مولفه‌های سنتی و بقای نظام ارزشی، میزان نگرش به پایداری خانواده نیز، افزایش می‌یابد. معنای این امر این است که، بروز و ظهور و تداوم نظام ارزشی سنتی و بقاء، مترادف با افزایش در نگرش به پایداری خانواده است. یک نکته تفاوت بین این دو بعد از نظام ارزشی، کمتر بودن مقدار I برای نظام ارزشی بقاء است و این می‌تواند بدین دلیل باشد که، در بعد بقاء،

گویه‌های نزدیک به خود محوری قرار دارد، و بنابراین به صورت طبیعی خود فرد نسبت به دیگران در اولویت قرار می‌گیرد، نه دیگران، حتی شریک زندگی او.

جدول ۲۰: نتیجه آزمون فرضیه رابطه نظام ارزشی سکولار- عقلانی و نگرش به پایداری خانواده در بین نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (r)	فرضیه
عدم تأیید	۰/۹۱۱	۰/۰۱۲	دهه ۴۰
عدم تأیید	۰/۵۹۶	۰/۰۴۹	دهه ۵۰
عدم تأیید	۰/۶۰۶	-۰/۰۴۸	دهه ۶۰
عدم تأیید	۰/۰۹۶	-۰/۲۰۷	دهه ۷۰

یافته‌های استنباطی تحقیق در خصوص بررسی رابطه نظام ارزشی سکولار-عقلانی پاسخگویان متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ با نگرش به پایداری خانواده نشان می‌دهد که بین این دو متغیر هیچ رابطه معناداری وجود ندارد و نمی‌توان گفت با افزایش میزان تمایل به ارزش‌های سکولار - عقلانی، نگرش به پایداری خانواده مثبت تر می‌شود یا بالعکس. این امر در بین متولدین هر چهار دهه قابل مشاهده است اگرچه در بین متولدین دهه ۷۰ رابطه آماری منفی با شدتی ضعیف قابل مشاهده است اما با توجه به سطح معناداری آزمون که بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نمی‌توان به مقدار مشاهده شده اعتماد کرد و آن را به جامعه آماری تعمیم داد. براین اساس، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین نظام ارزشی سکولار-عقلانی و نگرش به پایداری خانواده در نسل‌های مختلف مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول ۲۱: نتیجه آزمون فرضیه رابطه نظام ارزشی خودشکوفایی و نگرش به پایداری خانواده در بین نسل‌های مورد بررسی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار آزمون (r)	فرضیه
عدم تأیید	۰/۱۰	-۰/۱۷۸	دهه ۴۰
عدم تأیید	۰/۳۰۳	-۰/۰۹۵	دهه ۵۰
عدم تأیید	۰/۳۳۴	۰/۰۹	دهه ۶۰
عدم تأیید	۰/۵۳۲	۰/۰۷۸	دهه ۷۰

یافته‌های استنباطی تحقیق در خصوص بررسی رابطه نظام ارزشی خودشکوفایی پاسخگویان متولدین دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ با نگرش به پایداری خانواده نشان می‌دهد که

هیچ رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد. به بیان دیگر، نمی‌توان گفت با تغییر در متغیر نظام ارزشی خودشکوفایی، نگرش به پایداری خانواده تغییر می‌کند و لذا تغییرات این دو مستقل از یکدیگر می‌باشد. براین اساس، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه معنادار در دیدگاه‌های نسل‌های مختلف در خصوص نگرش به پایداری خانواده مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بر این اساس نمی‌توان گفت که، تغییرات ابعاد سکولار - عقلانی و خودشکوفایی نظام ارزشی منجر به تغییر در نگرش به پایداری خانواده می‌شود. هر چند از نظر منطقی و استدلالی - و نه آماری و عددی - می‌توان گفت که اگر رشد ابعاد ارزشی سنتی و بقاء، موجب افزایش نگرش به پایداری خانواده می‌شود، در نقطه مقابل و مخالف آن، افزایش ابعاد سکولار - عقلانی و خود شکوفایی - که از نظر ارزش و تئوریک، روبه رو و در مقابل آن ابعاد هستند - منجر به کاهش نگرش به پایداری خانواده می‌شود. یکی دیگر از تحلیل‌هایی که باز هم به صورت منطقی و استدلالی - و نه آماری و عددی - می‌توان گفت، این است که، جامعه - و یا حداقل جامعه آماری مورد نظر (تحقیق) - هنوز به سطح ارزش‌های سکولار - عقلانی و خود شکوفایی وارد نشده است، که بتواند تعبیر درک درستی از آنها داشته باشد و در نتیجه نمی‌تواند رابطه‌ای معنادار بین این ابعاد و نگرش به پایداری خانواده وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، به دلیل ضرورت‌های زندگی در جامعه ما، و نگرانی‌هایی که ارزشهای بقاء را تهدید می‌کنند، امکان عملی گذر از این مرحله ورود به مراحل شکوفایی و خود شکوفایی وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که بر خلاف بسیاری از اظهار نظرها و حتی تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده، که وقوع و رخداد برخی تغییرات سطحی در حوزه علم و فن آوری را دلیل بر تغییر ارزشی نسل‌ها می‌دانند، به دلیل نبود ایمنی و امنیت اقتصادی و سیاسی، امکان گذر از ارزش‌های سنتی و بقاء در جامعه آماری وجود نداشته است.

۵- بحث و نتیجه گیری

همان گونه که در بخش قبلی مشاهده شد، و بر خلاف نتایج اکثر قریب به اتفاق تحقیقات پیشین، از جمله ارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳)، مرزآبادی (۱۳۸۷)، طالبان و دیگران (۱۳۸۹) و یوسفی (۱۳۹۲)، فرضیه تفاوت نظام ارزشی نسل‌های مختلف با یکدیگر، تأیید نگردید و رد شد. هم چنین در مورد تفاوت در نگرش به پایداری خانواده بین نسل‌های مختلف نیز، این تفاوت نسلی بر خلاف نتایج تحقیقاتی چون عظیمی هاشمی و دیگران (۱۳۹۴) و هیتون (۲۰۰۲) است. این نتیجه با نتایج تحقیقات پیشین همخوانی و تطابق ندارد، از طرفی با روند مورد انتظار از تحولات جامعه - در خصوص تفاوت نظام ارزشی نسل‌های جوان تر و مجهز به فرآورده‌ها و

محصولات عصر ارتباطات و اطلاعات و رسانه‌ها با نسل‌های قدیمی‌تر - که از این تجربه‌ها کمتر برخوردار یا کاملاً بی‌بهره‌اند نیز، مطابقت ندارد. چه آنکه آنچه معمولاً بیان و گفته می‌شود این است که، نسل جدید به ابزارهای گوناگون، انتخاب‌های مختلف، هویت‌های متعدد، منابع متکثر و علائق، داشته‌ها و نظام ارزشی بسیار متفاوتی از نسل‌های قبل از خود دارد، که ذیلاً تحلیل می‌شود.

جامعه ایران و مردمش، همواره در شرایط نامنی و ناپایداری زندگی کرده‌اند. از این نظر نسل‌های مورد بررسی در این پژوهش، دارای شرایط ویژه‌ای بودند. مبنای نظری این تحقیق، دگرگونی ارزشی نسلی از ارزشهای مادی به فرامادی و سنتی و بقاء به سکولار-عقلانی و خود شکوفایی است. یک دسته از فرضیات پژوهش حاضر نیز درباره تفاوت ارزشی یا نظام ارزشی نسل‌های چهار گانه مورد تحقیق بود، که این دسته از فرضیه‌ها تایید نشدند و رد شدند، یعنی فرض بر این بود که نسل‌های متولد دهه‌های چهل و پنجاه، دارای دسته اول ارزشها و نسل‌های متولد دهه‌های شصت و هفتاد، دارای دسته دوم از ارزشها باشند، در حالی که اینگونه نیست. اینگلهارت در مقاله‌ای با نام نظریه نوسازی تکاملی: چرا مردم تحرک و تغییر می‌کنند، در بخش همگرایی شواهد اهمیت ایمنی وجودی، می‌گوید:

کوشش مستقل انسان شناسان، روان شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، جامعه شناسان، زیست شناسان تکاملی و مورخین... همه آنها بر آگسترهای که ایمنی از تهدیدهای بقاء همچون گرسنگی و قحطی، جنگ و بیماری، به هنجارهای فرهنگی و نهادهای اجتماعی - سیاسی یک جامعه شکل می‌دهد، تاکید کرده‌اند (اینگلهارت، ۲۰۱۷: ۱۳۹).

تاثیر و تاثیر ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر یکدیگر و لزوم همراهی آنها با یکدیگر برای گذر و گذار از شرایط بقاء به خود شکوفایی، امری لازم است. توسعه اقتصادی و جنبش‌های معطوف به دموکراسی و ارزشهای شهروندی خود - بیانگری، هریک گرایش به این دارند که یکدیگر را تقویت کنند (ارلیش^۱ و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۱).

تحلیل کلان و ساختاری این امر این است که، این نسلها با توجه به شرایط چهار دهه اخیر جامعه ایران، تجربیات - شاید بتوان گفت - منحصر به فردی نسبت به سایر نسلها و سایر جوامع از سر گذرانده‌اند. کمتر نسلی است که همچون متولدین دهه چهل در ایران، تجربه‌های پیاپی شبه مدرنیزاسیون قبل از انقلاب، انقلاب، جنگ، دوران پس از جنگ موسوم به سازندگی، تحولات گفتمانی دوران موسوم به اصلاحات، دوران موسوم به عدالت‌گرایی و شعارهای پوپولیستی پس از آن را تجربه کرده باشد.

در حالی که نظریه اینگلههارت مبتنی بر گذر از دوران کمیابی و رکود به دوران توسعه و وفور است، و به دنبال آن تغییرات ارزشی پیامد و متناسب با آن است، باید گفت که هیچ یک از نسل‌های مورد پژوهش، یک تجربه باثبات، پایا و پایدار از آرامش و امنیت سیاسی و اقتصادی را تجربه نکرده‌اند که در سایه آن و از بهره آن بتوانند از ارزشهای سنتی و بقاء گذر کنند و به ارزشهای سکولار - عقلانی و خودشکوفایی برسند. از طرفی در نظریه اینگلههارت، آن گونه که به ویژه در اثر بعدی اش نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی بیان می‌شود، تغییرات ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با یکدیگر تلازم و تناظر دارند و یکی بدون دیگری یا سایرین نمی‌تواند وجود داشته باشد. کارلسون در نتیجه گیری از تحقیق خود معتقد است باید تاکید کمتری بر تبیین‌های جهان گرایانه برای رفتار تعیین شود. هم چنین باید توجه بیشتری به متغیرهای نرم رفتار اجتماعی معطوف شود... برای دانستن اینکه چگونه بوسیله چنین پدیده‌های رفتاری بی شکل [نامنظم]، استانداردهای ثابت دستورالعمل گفتگوی فکری را آماده کنیم (کارلسون^۱، ۲۰۱۰: ۲۹).

در پاسخ می‌توان گفت: افراد به دلایلی خارج از اراده و توان خود و خانواده هایشان دست به چنین کاری (طلاق و جدایی) می‌زنند، که این عوامل از سر ضرورت به آنها تحمیل می‌شود و در سطح برنامه‌ها و سیاست‌های کلان سیاسی، اجتماعی و به ویژه اقتصادی است، که از جمله این مسائل می‌توان به معضلات معیشتی و اقتصادی فراروی خانواده‌ها به ویژه سرپرستان آنهاست. در جامعه‌ای که بخش اعظمی از آن زیر خط فقر به سر می‌برند و در نتیجه از عهده حداقل مخارج خود بر نمی‌آیند، چه انتظاری برای پایداری خانواده می‌توان داشت؟ در جامعه ما بسیاری از وظایف و کارکردهایی - همچون آموزش ورزش، زبان، هنر، حفاظت از سالمندان و معلولان و... - که در جوامع توسعه یافته بر عهده دولت و سازمان‌های آموزشی و یا رفاهی است، عملاً بر عهده و شانه‌های ضعیف و نحیف خانواده ناتوان گذاشته شده است، که بار مضاعفی بر دوش و پیکره خانواده رها شده در اجتماع ما است. پس نهاد خانواده با انبوه وظایف و تکالیفی روبروست، که با امکانات و داشته‌های آن سازگاری ندارد و آن را خرد و متزلزل می‌کند و باعث می‌شود که خانواده‌ها نه از سر اراده و اختیار، بلکه از روی اجبار و اضطرار به سمت وسوی ناپایداری متمایل گردند. خانواده رها شده، محصول جامعه‌ای است که خانواده را عملاً رها کرده است و به جای توانمند سازی و غنی کردن آن، بار اضافی و خارج از توان بر عهده اش گذاشته است.

اعضای خانواده، به ویژه در جامعه پر اضطراب کنونی، باید به اندازه کافی فرصت در کنار هم بودن و پرداختن به هم را داشته باشند. سهم وقت اختصاص داده شده به شریک زندگی، در پایداری خانواده بیشتر از عوامل اجتماعی دیگر (ارزش‌های همسری مشابه، فشارهای محیط اجتماعی همچون نژاد و منطقه، دارایی مالی و درآمدهای زوجها) است و زمان فراغت مشترک، به وسیله فراهم نمودن تعاملات همسری لذت بخش، که همسران را محکم تر به یکدیگر پیوند می‌دهد، هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت، به تقویت از دواج کمک می‌کند، و این نتیجه بر مطالعه طولی پانل از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۸۱ مبتنی است (هیل، ۲۰۰۴: ۴۴۰).

حال با این اوصاف پرسش این است که خانواده‌های ما زیر بار فشارهای خرد کننده و شکننده زندگی تا چه اندازه برای چنین اموری فرصت و فراغت توأم با آرامش خاطر و بدون استرس و فشار دارند؟ پاسخ به این سوال، با مشاهده معمولی در اطراف نیز پیدا است.

نتایج بسیاری از تحقیقات بر اهمیت حمایت از خانواده و حضور کافی و وافی مادر در خانواده صحنه گذاشته اند. برای نمونه می‌توان به کار تحقیق الاشاره کرد. نتیجه این تحقیق که در کشور سوئد انجام شده است، بیشترین ریسک فروپاشی [خانواده] را برای مادرانی به دست داده است، که به صورت تمام وقت، تحصیل یا کار می‌کنند... و زنانی که - به خاطر دیگر مسوولیت‌ها - وقت کمتری برای کارهای خانه دارند، مجبورند با تضادهای بیشتری در رابطه زناشوییشان روبرو شوند، که این امر می‌تواند منجر به فروپاشی خانواده شود (ألا، ۲۰۰۱: ۱۳۰). ممکن است در نگاه اول این گونه به نظر آید که صرف اشتغال زن باعث آسیب به شاکله و پایداری خانواده می‌شود. اما منسارینی و ویگنولی می‌گویند: تعدادی از مطالعات بر آن بوده‌اند که ارتباط مثبتی بین استقلال اقتصادی زنان و فروپاشی انسجام از دواج وجود دارد، اما اشتغال زنان، تاثیر منفی بر پایداری خانواده ندارد و درآمد حاصل از کار زنان، در صورتی برای پایداری خانواده زیانبار است، که مردان سهم کمتری برای کار در خانه اختصاص دهند (منسارینی^۳ و ویگنولی، ۲۰۱۸: ۱).

نتیجه، منطقی به نظر می‌رسد، زیرا اگر بنا باشد که زنان هم بیرون از خانه کار کنند و هم بار مسوولیت‌های خانه را بدون هیچگونه تغییری بردوش داشته باشند، پایداری خانواده کاهش خواهد یافت. پس نتیجه می‌گیریم که صرف ایجاد فرصت اشتغال یا درآمد برای زنان و در نتیجه خانواده، منجر به افزایش پایداری خانواده نمی‌شود، بلکه در کنار آن، تحمل و همراهی مردان

1- Hill

2- Olah

3- Mencarini and Vignoli

نیز لازم است، که این امر نیز لزوم برنامه ریزی برای آموزش و گسترش چنین فرهنگی را می‌طلبد.

یک عامل مهم دیگر در سطح پایداری خانواده‌ها، میزان زمانی است که برای اوقات فراغت و تفریح اختصاص می‌دهند که این امر نیز به نوبه خود، با سطح درآمد و پس‌انداز خانواده‌ها در ارتباط است، که این امر نیز در جامعه ما در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. شاهد تجربی و پژوهشی این موضوع تحقیق انجام شده توسط وندر بلیک و دیگران با عنوان رابطه بین تفریح و رضایت و پایداری زوج‌هاست. بر اساس نتایج این تحقیق، فراوانی تفریحات زوج‌ها، پیش‌بینی‌کننده میزان رضایت زوج‌هاست... و تحقیق رابطه بین [میزان] تفریح زوج‌ها و رضایت و پایداری آنها را و نیز رابطه بین [میزان] صمیمیت و سلامتی آنها را بیان می‌کند (وندربلیک^۱ و دیگران، ۲۰۱۱: ۱۳۷).

طبیعی است که صرف وجود امکان تفریح، منجر به افزایش رضایت و در نتیجه پایداری نخواهد شد، بلکه، صمیمیت و نداشتن دغدغه خاطر نیز در آن موثر است. منظور از این جمله این است که واقعاً برای چند درصد از افراد جامعه ما، اوقات فراغت به معنای واقعی کلمه - برای خود بودن و فارغ از همه دغدغه‌ها بودن - شکل می‌گیرد؟ و برنامه ریزی‌ها و ساختارهای کلان چه نقشی در این زمینه‌ها دارند؟

پس جای رویارویی با ناپایداری خانواده‌ها باید در برنامه‌های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد و کلید نجات خانواده در آنجاست. اگر خانواده پایدار می‌خواهیم، باید برای آن برنامه‌های پایدار داشته باشیم تا خانواده‌ها از عهده تکالیف خود در دوره پر اضطراب و پر انکسار کنونی برآیند. البته این تجربه در کشورهای حتی ثروتمند نیز به اثبات رسیده است، یعنی شرایط و فشارهای اجتماعی بر نهاد خانواده اثر گذار است، مثلاً اسپنیر و لی وایز در تحقیق خود این نکته را بیان می‌کنند که، جاذبه‌های جایگزین و فشارهای بیرونی، مستقیماً بر پایداری ازدواج اثر می‌گذارند (اسپنیر^۲ و لی وایز، ۱۹۸۱: ۷۸۲).

البته آنچه در اینجا اهمیت مضاعف دارد، این است که صرف کمک‌های مادی راهگشا نیست، زیرا در اینصورت نه فقط افراد احساس استقلال، ارزش و عزت نمی‌کنند بلکه گداپروری و سفله پروری رواج می‌یابد، بنابراین لازم است با گسترش اشتغال و تولید کاری کرد که افراد احساس شان، احترام و مفید بودن داشته باشند، و نه سرباری و زندگی انگلی. می‌توان، به پژوهش لیواین اشاره کرد. که می‌گوید: این مقاله جست و جو میکند این فرضیه را که [آیا]

1- Vanderbleek

2- Spanier And Lewise

بیکاری شوهر حتی به هنگام در یافت کمک‌های رفاهی، فرسایش سازش و توافق را افزایش می‌دهد؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که بیکاری شوهر و وابستگی طولانی مدت خانواده به کمک‌های رفاهی، ... منجر به فروپاشی خانواده می‌شود (لیواین^۱، ۲۰۰۵ : ۲۰۳). بنابراین صرف کمک کارساز نیست، بلکه باید همراه با عزت نفس ناشی از اشتغال و خودکفایی باشد.

شرایط و پایداری خانواده، تاثیر بسیار زیادی بر نحوه تربیت فرزندان و پرورش نسل سالم برای آینده جامعه دارد و آن چنان که چنگ می‌گوید:

متغیرهای پایداری محکم خانواده و سرپرستی خانواده، به طور معناداری شانس انحراف فرزندان را دگرگون می‌کند، پایداری خانواده، تمایل به انحراف را در فرزندان کاهش می‌دهد. [همچنین] این مطالعه یک رابطه قوی بین سطح فقر مادران و انحراف فرزندان نشان داد، زیرا بسیاری از مادران فقیر، نمی‌توانند یک ساختار پایدار خانوادگی را فراهم کنند و بنابراین یک سرپرستی غیر موثر را عرضه می‌کنند (چنگ^۲، ۲۰۰۴: ۵۷).

یکی دیگر از دلایل و یا علل احتمالی اعلام میزان بالای نگرش به پایداری خانواده از یک سو و رشد فراتر از انتظار آن در سطح جامعه می‌تواند این امر باشد که با توجه به شرایط سالیان اخیر جامعه ما که پس از دوره‌های فزاینده و روبه رشد مشکلات ساختاری در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز ضربات پی در پی حوزه سیاسی و حوزه اقتصادی بر آن‌ها، هم عرصه عمومی رو به تحلیل رفته و هم عناصر سرمایه و اعتماد اجتماعی با همه مولفه‌هایشان رو به کاهش و فرسایش رفته است. در چنین شرایطی طبیعی است که افراد به تنها پناه و مامن خود در جامعه که به آن از سر ضرورت و اجبار و نه انتخاب و اختیار بیش از سایر نهادها اعتماد و اطمینان دارند، اعلام اعتماد و نگرش به پایداری کنند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و غیثوند، احمد (۱۳۸۳). وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی کشور. فصلنامه مطالعات ملی، ۵(۴)، ۱۶۰-۱۳۵.
- آزاد مرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷). بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان. مجله علوم رفتاری، ۲(۲)، ۱۱۷-۱۲۶.

1- Lewin

2- Cheng

- احمدی، حبیب (۱۳۸۳). *روانشناسی اجتماعی*، شیراز: دانشگاه شیراز.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بک، اولریش (۱۳۸۸)، *جامعه در مخاطره جهانی* (چاپ اول). ترجمه محمد رضا مهدی زاده، تهران: کویر.
- بوستانی، داریوش و چاری صادق، مسعود (۱۳۹۲). بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان). *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲(۲)، ۷-۳۱.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی* (چاپ اول). ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات رسا.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۱) *روان‌شناسی اجتماعی* (چاپ پانزدهم). تهران: آوای نور.
- سرایی، حسن و اوچاقلو، سجاد (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران: مطالعه موردی زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی*، ۵(۴)، ۱۹-۴۲.
- طالبان، محمدرضا؛ مبشری، محمد و مهرآیین، مصطفی (۱۳۸۹). بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران (۱۳۸۸-۱۳۵۳). *دانشنامه علوم اجتماعی*، ۱(۳)، ۲۳-۶۴.
- عظیمی هاشمی، مژگان؛ اعظم کاری، فائزه؛ بی‌گناه، معصومه و رضامنش، فاطمه (۱۳۹۴). ارزشها، نگرشها و الگوهای کنش جوانان درخصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج. *راهبرد فرهنگ*، ۲۹(۲)، ۱۷۹-۲۱۲.
- قاسمی اردهایی، علی؛ نوبخت، رضا و شوابی، حمیده (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده. *مطالعات زن و خانواده*، ۲(۱)، ۵۳-۷۱.
- قلی‌پور، آرین و بامداد، مریم (۱۳۹۱). گونه‌شناسی ارزشهای افراد و ارتباط آن با گشت زنی اینترنتی، نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید، تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. برگرفته از https://www.civilica.com/Paper-NOPADID01-OPADID01_050.html
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸). *سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و*

- پیامدهای آن با تاکید بر ازدواج‌های دانشجویی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳(۲)، ۷۵-۹۵.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۵). روانشناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: انتشارات ارسباران.
 - لوزیک، دانیلین (۱۳۸۳). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه سعید معیدفر. تهران: انتشارات امیر کبیر.
 - مدنی، سعید و خسروانی، عباس (۱۳۹۰). عوامل موثر در جهت‌گیری ارزشی (مادی/ فرامادی) دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک در سال ۱۳۹۰. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۱(۳)، ۱۴۱-۱۲۳.
 - نقیعی، سید ابوالحسن و حمیدی، مهران (۱۳۹۴). سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائمشهر. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۵(۱۳۱)، ۱۶۴-۱۵۹.
 - یوسفی، نریمان (۱۳۹۲). شکاف ارزشی بین نسلی در خانواده‌های تهرانی. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، ۲(۷)، ۲۴۰-۲۱۳.
 - Carlson j. d. (2010). *Generational analysis and international relations: cultural zones, ntergenerational value chang, and cross-national comparison*. Reterived from <http://ssrn.com/abstract=1557838>
 - Cheng, T. (2004). Impact of family stability on children's delinquency: An implication for family preservation. *Journal of Family Social Work*, 8(1), 47-60.
 - Dussault, A. C. (2014). Fitting-attitude analyses and the relation between final and intrinsic value. In *Les ateliers de l'éthique/The Ethics Forum* (Vol. 9, No. 2, pp. 166-189).
 - Ehrlich, S. D., Franzese Jr, R. J., & Inglehart, R. F. (2000). *Democracy, economy, and values: estimating a recursive system*. Retrived from <http://www-personal.umich.edu/~franzese/demecval.recursive.pdf>.
 - Heaton, T. B. (2002). Factors contributing to increasing marital stability in the United States. *Journal of Family Issues*, 23(3), 392-409.
 - Hill, M. S. (1988). Marital stability and spouses' shared time: a multidisciplinary hypothesis: *journal of family issues*, 9(4), 439-447.

- Inglehart, R. F. (2017). Evolutionary Modernization Theory: Why People's Motivations are changing. *Changing Societies & Personalities*, 1(2), 136-151.
- Kristiansen, C. M., & Zanna, M. P. (1991). Value relevance and the value-attitude relation: Value expressiveness versus halo effects. *Basic and applied social psychology*, 12(4), 471-483.
- Lewin, A. C. (2005). The effect of economic stability on family stability among welfare recipients. *Evaluation Review*, 29(3), 223-240.
- Malatras, J. W., & Israel, A. C. (2013). The influence of family stability on self-control and adjustment. *Journal of clinical psychology*, 69(7), 661-670.
- Mencarini, L., & Vignoli, D. (2018). Employed women and marital union stability: It helps when men help. *Journal of Family Issues*, 39(5), 1348-1373.
- Miller, R. L. (1988). A total system model for a person's value exchanges: A role theory perspective. *International Journal of Value-Based Management*, 1(1), 35-63.
- Mitchell G. E. (1996). Value change in global perspective. *The journal of politics*, 58(3), 909-910.
- Oláh, L. S. (2001). Policy changes and family stability: the Swedish case. *International Journal of Law, Policy and the Family*, 15(1), 118-134.
- Spanier, G. B., & Lewis, R. A. (1981). Marital quality and marital stability: A reply. *Journal of Marriage and the Family*, 43(4), 782-783.
- Sprecher, S. (2001). Equity and social exchange in dating couples: Associations with satisfaction, commitment, and stability. *Journal of Marriage and Family*, 63(3), 599-613.
- Vanderbleek, L., Robinson III, E. H., Casado-Kehoe, M., & Young, M. E. (2011). The relationship between play and couple satisfaction and stability. *The Family Journal*, 19(2), 132-139.